

## سازنده شخصیت یا حس موقع شناسی

پیشینیان حواس را پنج چیز میدانستند: ذائقه، لامسه، شامه، باصره،

سامعه، بعدها پیشرفت علم دو حس دیگر را در بشر کشف کرد:

۱- حس توازن- آدمی بوسیله این حس توازن خود را در ایستادن و

راه رفتن حفظ کرده و بکمک آن بر روی جاده‌های باریک و راه‌های پر پیچ

و خم کوهستانی و احیاناً بر سردیوارهای کم عرض حرکت نموده و تعادل

اندام خود را نگه میدارد، در دو چرخه سواری از این حس بطور کامل استفاده

میشود.

۲- حس نقل- این حس در برداشتن بارها بکمک میکند در نتیجه

این حس، عضلات بشر متناسب وزن بار خود را آماده میکنند در وزنه‌های

سنگین عضلات طوری و دروزنه‌های سبک طوری دیگری قرار میگیرد.

یک نوع شعور حساس و حس دقیق دیگری نیز در انسان است که

بدان وسیله مواضع اشیاء را تمیز داده هر چیزی را بجای خود استعمال

میکند، بکمک این حس نظرات و آراء دیگران را نسبت بر رفتار و کردار

خود فهمیده و عمل و قول خود را موافق حاجت جامعه قرار میدهد، در مقام

سخن بجا حرف میزند، هنگامی صحبت میکند که مردم مشتاق بوده و

حرفش اثر داشته باشد، در مقام تجارت احتیاجات مشتریان و ذوق آنان را

کاملادریافته متاع موافق میل آنها را بازار میآورد. در مقام تحصیل علم دانشی

را میآموزد که حوائج اجتماع را بر طرف کرده و بدر آن‌ها میخورد و همچنین

در تمام کارها این حس اثر عجیب و دخالت مستقیم دارد.

بدیهی است که راحتی بشر در داشتن علم، صنعت؛ تجارت و سایر

کارهاست، اما باید دانست آن اندازه که این حس در سعادت بشر دخالت دارد، علم، تمدن، پیشرفت صنعت و هر گز دخالت ندارد.

در ما بین مردم ذکاوت و استعداد بسیار دیده میشود اما برعکس، این حس که بزرگترین پایه بشر است در آنها کمتر است این است که با وجود این همه علم و ذکاوت افراد سعادت مند و راضی در میان ما کم است زیرا در نتیجه نبودن این حس مردم نمیدانند چگونه ذکاوت را استخدام کرده و چگونه از علم استفاده نمایند. دانش، سیاست، صنعت و غیره وقتی نتیجه مطلوب را میبخشد که صاحبان آنها مقدار تأثیر عمل خود را در جامعه و اذهان مردم دریابند و بدانند اجتماع تا چه اندازه استعداد عمل آنها را دارد و تنها همین حس اجتماعیست که راه را بر ما نشان داده و نکته را بما تعلیم میدهد.

نه تنها این حس در زندگی اجتماعی اثر داشته بلکه در زندگی شخصی و امور فردی ما نیز تأثیری بسزا دارد. کسانی که دارای این حسند همیشه چیزهایی را میخرند که هم برای خودشان سودمند و ضروری بوده و هم در موقع احتیاج بتوانند آنرا بزودی با قیمت خوب بفروشند اما کسانی که دارای این حس نیستند هر چه نظرشان را جلب کند آن را میخرند و بعد پشیمان شده آن را با خسارت زیادی میفروشند. آری هر کس امروز چیزهای غیر ضروری را میخرد فردا ضروریات زندگی را به قیمت میفروشد اگر کسی دارای همه موهبتهای الهی بوده باشد ولی این موهبت را باو نداده باشند بیچاره و بدبخت است و گویا هیچ موهبتی باو داده نشده است و هر کس دارای این موهبت عظیم باشد در سایه آن بسیار موهبتهای زندگی رسیده دارای همه سعادتها میشود.

علم، صنعت، تجارت و غیره در دست اشخاصیکه فاقد این حسند درست

همانند بذر گرانبهایست که در دست غیر دهقان بوده و یا مانند سلاح ارزنده- ایست که در اختیار غیر جنگی باشد.

وزنه شخصیت هر شخص متناسب این حس است و هر قدر این حس در انسان بیشتر باشد شخصیتش در اجتماع بیشتر است.

زن در منزل، معلم در مدرسه، رئیس در اداره، فروشنده در معاملات و هر کس دیگر در کار مربوط بخودش وقتی پیشرفت دارد و میتواند طرف خود را جلب کند که بتواند کار خود را خوب و دلخواه اداره کند و وقتی میتواند کار خود را خوب اداره کند که دارای حس انتخاب و حس موقع- شناسی باشد پس موفقیت هر فرد در کار خود مرهون داشتن این حس است اینک تأثیر این حس را در زندگی با سه مثال روشن میکنیم:

### تأثیر این حس در تجارت

اگر فروشنده ای خواست مشتریانش زیاد شده و کارش رونق بگیرد باید این حس در او قوی باشد یعنی باید تأثیر کلام خود را در مشتری بدست آورد و راه ترغیب مشتری را بشناسد. باید متاع مورد نیاز مشتریان را فراهم آورد و همیشه بکوشد اجناسی بیاورد که هر سلیقه ای آن را می پسندد. در این زمینه تنها خوبی جنس کفایت نمیکند بلکه باید گفتار و رفتار خود را چندان با مردم خوب کند که همیشه از او راضی باشند البته نباید در مقام ترغیب مشتری تبلیغ خشک و تعریف بیجا نماید زیرا بالاخره مردم او را امتحان میکنند و در صورت مخالفت متاع با تعریف و کالا با تبلیغ از اطراف او پراکنده میشوند تاجر خوش ذوق اجناس خوب تهیه کرده با مردم با مانت و انصاف و حق رفتار کرده جنس خود را گران نمیفروشد.

علت ورشکست تجار همین است که مردم را فقط بحرف و تعریف

سرگرم کرده بر سر آنها کلاه میگذارند و نیز موقعیکه مال مردم را در دست خود می بینند آن را مال خود پنداشته آنچه را که دلشان میخواهد میخرند ناگهان موقع اداء پول مردم فرامیرسد و این بیچاره های بی تدبیر در کار خود فرومانده از اعتبار و آبرو ساقط میشوند .

### تأثیر این حس در علم

بسیار روشن است که صرف داشتن علم کاری را از پیش نبرده و بجامعه نفعی نمیرساند . دانشمند باید مطابق درد های جامعه دوا تهیه کند او باید بداند چگونه علم خود را نشر دهد، او باید براه نفوذ علم درد لها کاملاً آشنا باشد .

اگر کسی همه علمهای جهان را دارا باشد اما این رموز را نداند فائده ای نمی برد؛ باید علم خود را بجای خود بکاربرد، نوشته های خود را بزبان روز در آورد، ساده و دلپسند بنویسد تا مردم بخوانند و لذت برند تنها اظهار فضل نکرده صفحات را از الفاظ خالی و خشک پرنسازد علت اینکه جامعه ما روز بروز بدبخت تر شده و بسرعت رو بانحطاط میرود این است که دانشمندان و نویسندگان ما رعایت این اصل لازم را نکرده یا برطبق احتیاجات واقعی ما چیزی نمی نویسند و یا حقائق را در لباس بیان روز و شیوه جالب و جوان پسند جلوه نمیدهند. هم عبارت زیبا لازم است و هم مطلب حق و معنای مفید، حقائق باید در عبارات زیبا جلوه داده شود تا در دلها اثر بگذارد و ذهن نسل جوان را بسوی خود متوجه سازد .

### تأثیر این حس در معاشرت

در معاشرت نیز این حس تأثیر بسزائی دارد گاهی با اشخاصی

بر خورد می‌کنیم که در یک جلسه با آنها دوست می‌شویم و روی پایه همین دوستی معامله و ازدواج و رفت و آمد ما شروع می‌گردد و گاهی از شخصی در معاشرت خود بسیار رنجیده می‌شویم .

طبقه اول نوعاً اشخاصی هستند که حرف را بجا می‌زنند اگر برای کاری آمده باشند صرفاً در پیرامون همان کار صحبت کرده و وقت طرف را محترم می‌شمارند، رعایت ادب را کرده و بوظیفه خود آشنا هستند .

ولی دسته دوم اغلب کسانی هستند که وقت آدم را تلف کرده از هر دری صحبت می‌کنند. از زن خود، از فرزند خود، از مسافرت خود از سایر کارهای خود سخن می‌گویند در اثنا سخن خود گاهی دیگران را عیب کرده و ب مردم تهمت می‌زنند بسیاری از اوقات، مردم از این افراد خسته شده و در باطن از آنها متنفر و آزرده می‌گردند. در دل خود آرزو می‌کنند که کی باشد از جای خود بلند شود و برود و ما را راحت بگذارد. اما بدبختی اینجاست که این افراد بیچاره بجهت ضعف این حس، تنفر و انزجار مردم را درک نمی‌کنند و باعث زحمت دیگران می‌شوند. بر فرهنگ لازم است که بیش از توجه دادن اطلاق بفضائل و آداب آنها را باین حس توجه دهد و شعور موقع شناسی را در آنها تقویت کند زیرا وقتی این حس در آنها قوی شد خود راه رستگاری خود را یافته و بس منزل فضائل و آداب خواهند رسید .